ادامه از صفحه ۶

دوست قدیمی و دشمنی فراموش‌شده

در این کاخ، «لیونل ژوسپین»، نخست‌وزیر فرانسه، از خاتمی استقبال کرد و به‌خاطر دیدار با ایشان، سفر برنامه‌ریزی‌شده خود به جزیره مارتینیک را به تأخیر انداخت. پس از آن، خاتمی به کاخ الیزه رفت و مورد استقبال رسمی ژاک شیراک قرار گرفت. وی در این سفر در مقر سازمان یونسکو حضور یافت و در مجمع عمومی این سازمان سخنرانی کرد. خاتمی یک‌بار دیگر هم در فروردین ۱۳۸۴ عازم پاریس شد؛ این‌بار ژاک شیراک از او به‌گرمی استقبال کرد. خاتمی در ضیافت نخبگان فرانسوی نیز که به افتخار او ترتیب داده شده بود، شرکت کرد.

احمدی‌نژاد و ماجرای تحقیر یک ملت

همه جنجال‌ها از گفت‌وگوی انتخاباتی محمود احمدی‌نژاد در آستانه انتخابات سال ۱۳۸۸ با رادیو آغاز شد. وقتی او گفت: «آن روزی که رئیس‌جمهور سابق با آن وضعیت به فرانسه رفت، یکی از غم‌انگیزترین روزهای زندگی‌ام بود؛ چراکه ژاک شیراک در بالای پله‌های محل استقرار خود ایستاده بود و رئیس‌جمهور قبلی ایران در پایین پله‌ها از ماشین پیاده شد و پله‌های متعدد را پشت سر گذاشت تا به او برسد و این حرکت از موضع ضعف باعث تحقیر ما شد.

ما دیگران را تحقیر نمی‌کنیم؛ اما اجازه هم نمی‌دهیم که دیگران ما را تحقیر کنند و معتقدیم کسانی که در طول آن سال‌ها به ثروت‌های فراوان دست یافتند، قادر به تأمین منافع ملت نیستند؛ چراکه باید در داخل تواضع و در خارج اقتدار و شجاعت داشته باشیم... . من آن شب در تلویزیون دیدم، خیلی غصه‌ام شد؛ خدا شاهد است، گفتم؛ ای خدای بزرگ، یک شرایطی فراهم کن که این غم جبران شود... گذشت... پارسال، همان آقا، که بالای پله ایستاده بود، به ما در اوج مسائل هسته‌ای و در اوج جنگ لبنان پیغام داد که ما راجع به لبنان می‌خواهیم با شما همکاری کنیم. پیغام دادند بیایید. این بسیار خوب بود. یکی از مشاوران بنده مأمور شد برود و صحبت کند... اعلام که کردند، آنها گفتند حالا ما می‌خواهیم به مسافرت و تفریحات برویم و تا ۲۰ روز دیگر نیستیم (البته ما در دلمان گفتیم به جهنم که نیستید، بهتر. گفتیم بسیار خب شما به ما نیاز دارید، ما که به شما نیاز نداریم.)... گذشت، چند روز بعد پیغام دادند که این سه‌شنبه، آقا حاضر است که نفرتان را بفرستید. من گفتم بسیار خب، می‌آید. گفتند بیایند و وقت تنظیم کردند و برنامه تنظیم شد. شب، مثلا ساعت یک، این دوست ما می‌خواست پرواز کند. ساعت ۱۰ زنگ زدم، گفتم آقای وزیر خارجه، بگویید نمی‌آید. وزیر خارجه گفت آخر نمی‌شود، آخر ضایع است. گفتم نخیر. بگو نمی‌آید. بگویید رئیس‌جمهور او را احضار کرده است و فردا با او کار دارد و نمی‌تواند بیاید. افتاد عقب. گذشت... چهار، پنج روز بعد دوباره زنگ زدند و گفتند ما سه‌شنبه بعد را برای این دیدار تنظیم کرده‌ایم. گفتم بسیار خب، بگویید قبول. دوباره شب سه‌شنبه که قرار بود برود، گفتم بگویید کار پیش آمده است؛ نمی‌آید. سه بار این تکرار شد. فهمیدند، آمدند گفتند آقا تسلیم. ببخشید».

توتال، ایرباس و پژو در ایران

چند سالی باید می‌گذشت تا یک‌به‌یک نگاه کشورهای اروپایی و در رأس آن فرانسه به ایران تغییر کند؛ زمانی به درازای عیان‌شدن پایانی پوچ برای مخاصمه؛ کشورهای اروپایی و ایران برای ترک مخاصمه تلاش را آغاز کردند. با انتخاب حسن روحانی به ریاست‌جمهوری در خرداد سال ۱۳۹۲، فرانسه پیام تبریک فرستاد. روز بعد از مراسم تحلیف روحانی، وزیر خارجه فرانسه در دیدار سفیر ایران در پاریس، گفت: «همان‌طور که مردم ایران خواستار تغییر در سیاست‌های خارجی ایران هستند، فرانسه نیز امیدوار است ایران در زمینه برنامه هسته‌ای‌اش، جنگ داخلی سوریه و حقوق بشر در ایران اقدامات عینی انجام دهد». در حاشیه شصت‌وهشتمین نشست مجمع عمومی سازمان ملل متحد که در مهر ۱۳۹۲ در نیویورک برگزار شد، حسن روحانی و «فرانسوا اولاند»، با هم دیدار کردند. این نخستین دیدار مقامات عالی‌رتبه دو کشور از سال ۲۰۰۵ تا این تاریخ بود. توافق برجام هم رهگشا بود. بعد از امضای این توافق‌نامه فصل جدیدی در روابط ایران و فرانسه آغاز شد. ۶۸ روز بعد از توافق هسته‌ای ژنو، بزرگ‌ترین هیئت اقتصادی خارجی بعد از انقلاب اسلامی ایران که متشکل از کارفرمایان و فعالان اقتصادی بخش خصوصی فرانسه در زمینه صنعت نفت، خودروسازی، انرژی، پزشکی و... بود، در روز ۱۴ بهمن ۱۳۹۲ وارد ایران شد. هرکدام از این هیئت ۱۴۰نفره نماینده یکی از شرکت‌های فرانسوی در زمینه مختلف صنعتی و تجاری بودند. لوران فابیوس، وزیر خارجه فرانسه، روز ۷ مرداد ۱۳۹۴ وارد تهران شد. سفر او در رأس یک هیئت بلندپایه سیاسی به دعوت همتای ایرانی او، محمدجواد ظریف، صورت گرفت. هفتم بهمن ۱۳۹۴، حسن روحانی، رئیس‌جمهوری ایران، با استقبال «فرانسوا اولاند»، رئیس‌جمهور فرانسه، میهمان کاخ الیزه بود و فرانسه خواست برجام پابرجا بماند. آنها برای همین در مقابل دونالد ترامپ، مخالف سرسخت برجام، ایستادند. خودروسازان فرانسوی هم به ایران برگشتند، پژو هم توافق خود را با ایران تجدید کرد و آسمان ایران پذیرای صد هواپیمای «ایرباس» بود و «توتال» به میدان نفتی ایران رفت با قراردادی ۴.۸میلیارد دلاری. توتال در حال تبدیل‌شدن به الگویی برای دیگر کمپانی‌های بزرگ است و قبلا این پیام را به آمریکا مخابره کرده بود «Iran deal is too big to fail». شب بیست‌ویکم مهر امانوئل مکرون بار دیگر از برجام دفاع کرد و ایران را برای پایبندی به برجام فراخواند. او سال آینده میهمان پاستور خواهد بود.

politics@sharghdaily.ir

واکاوی همه‌پرسی تجزیه اقلیم کردستان عراق و روندهای مرتبط با آن

فروپاشی از درون

مسعود رضایی
پژوهشگر خلیج فارس و غرب آسیا

عکس: Gettyimages

مقوله همه‌پرسی تجزیه و تفکیک کردستان از عراق در میان بسیاری از صاحب‌نظران داخلی و خارجی تأمل‌برانگیز بوده و نظرات فراوانی درباره آن مطرح شده است. طبیعتا با توجه به اینکه رویداد فوق در همسایگی کشور ما صورت گرفته، بر اهمیت و جایگاه آن می‌افزاید. پیش از هر امری باید توجه داشت که پدیده «حق تعیین سرنوشت» با عنایت به مبانی حقوق بین‌الملل و با همین عنوان و در حالات زیر به رسمیت شناخته می‌شود:

۱) مردم سرزمینی که تحت استعمار دولتی بیگانه باشند.

۲) تبعیض شدید و واضح علیه یک قومیت به وجه کاملا بارز و عیان یا پاک‌سازی قومی.

۳) کشوری که تحت اشغال بیگانگان قرار گرفته باشد.

در موارد دیگر هرگونه تفکیک از پیکره ساختار کشور باید تحت قوانین درون‌سرزمینی حل‌وفصل شود.

برای هریک از موارد مطرح‌شده می‌توان مثال‌هایی زد؛ برای گزینه اول هندوستان تحت استعمار انگلیس، برای گزینه دوم حکومت آپارتاید و نژادپرستانه آفریقای جنوبی و درباره گزینه سوم اشغال نظامی افغانستان به‌وسیله حکومت شوروی که هریک از این موارد بر مبنای چارچوب و قواعد مطرح‌شده حق تعیین سرنوشت در بازه‌های زمانی خود قابل تفسیر بودند.

هیچ‌یک از گزینه‌های ارائه‌شده درحال‌حاضر شامل حال منطقه اقلیم کردستان عراق نمی‌شود. اگر از فاجعه انفال و کشته‌شدن هزاران کُرد سخن بگوییم، پرواضح است که آن رویداد وحشیانه در زمان حکومت صدام حسین و در چارچوب حاکمیت حزب بعث انجام شد که البته آن سیستم پس از تهاجم ائتلاف به رهبری آمریکا در سال ۲۰۰۳ از قدرت ساقط شد و سیستمی جدید و کاملا متفاوت روی کار آمد. برای اینکه همه‌پرسی جدایی کردستان مشروعیت و وجاهت قانونی داشته باشد باید این همه‌پرسی نخست در هماهنگی کامل با قانون اساسی عراق قرار می‌گرفت؛ بنابراین اربیل در هماهنگی با بغداد و دولت مرکزی باید دراین‌باره به اجماع می‌رسید نه اینکه خود رأسا دست به برگزاری این همه‌پرسی بزند، در غیر این صورت جدایی بخشی از عراق بدون صلاحدید دولت مرکزی فتح بابی خطرناک در روابط بین‌الملل خواهد بود و اقصانقاط جهان را با چالشی نوین مواجه خواهد کرد؛ برای نمونه تصور بفرمایید شهروندان یک قومیت در چارچوب دو کشور همسایه تصمیم بگیرند بدون توجه به خواست دولت‌های مرکزی خود اقدام به برگزاری همه‌پرسی، سپس جدایی و در نهایت ایجاد یک کشور جدید کنند، این وضعیت سبب بروز تغییرات بنیادین خواهد بود و صرفا مربوط به آن قومیت خاص نمی‌شود، بلکه ناحیه‌ای (در صورت اهمیت آن ناحیه جهان) را تحت تأثیر قرار خواهد داد. بدیهی است که دیدگاه حقوق بین‌الملل درباره حق تعیین سرنوشت تا حدود بسیاری محتاطانه است، زیرا با بازبودن این مسیر با توجه به پررنگ‌ترشدن مباحث نژادی و قومی، جهان به‌مراتب ناامن‌تر و مخاطره‌آمیزتر خواهد شد؛ بنابراین می‌توان نتیجه گرفت برگزاری همه‌پرسی فوق طبق ضوابط و قواعد بین‌الملل مردود و غیرقابل پذیرش است و واکنش جهانیان نیز مؤید این مدعاست. مقوله تمامیت ارضی هر کشور امر ملی است و نه قومی و یک قومیت قادر نخواهد بود برای ناحیه خود مستقلا همه‌پرسی برگزار کند، از این منظر کردستان هم ملک مشاع آحاد ملت عراق اعم از شیعه، سنی، کرد، ترکمن، مسیحی و ایزدی است و اگر مقرر باشد درباره جدایی بخشی از کشور همه‌پرسی انجام شود، باید همه‌پرسی در سراسر عراق انجام شود، بنابراین با عنایت به این موارد است که مشاهده می‌کنیم در ابعاد بین‌المللی با اعلام این همه‌پرسی و برگزاری آن مخالفت شده است. نمونه بارز و غیرخاورمیانه‌ای این اتفاق هم منطقه کاتالونیا در اسپانیا است که مانند اقلیم کردستان عراق اقدام به برگزاری همه‌پرسی جدایی کرد که البته اسپانیا با واکنشی تند و با اعزام نیروهای قهریه به آن واکنش نشان داد، هرچند غرب نگرانی خود را از برخورد نیروهای نظامی اسپانیا با جدایی‌طلبان اعلام کرد، اما در نهایت اتحادیه اروپا مسئله را امری در چارچوب کشور اسپانیا قلمداد کرده و در پی درخواست رهبران بارسلون برای مداخله در این اتفاق اعلام کرد این رویداد کاملا داخلی است و در آن دخالتی نخواهد کرد. واکنش‌های بین‌المللی و یکسان‌بودن آن در قبال رویدادی مشابه در دو ناحیه جهان بر مبنای امری پذیرفته‌شده در حقوق بین‌الملل قابل تفسیر بوده و آن «اصل تثبیت مرزها» یا «اصل تغییرناپذیری مرزهای بین‌المللی» است.

پساصدام

در وضعیت پساصدام حسین، کردستان به‌عنوان اقلیمی خودمختار تحت قدرت خاندان بارزانی حیاتی مجدد یافت. آزادی و استقلال عمل کردها و حتی چالش‌های اربیل با بغداد در سالیان اخیر، هیچ‌یک نشان‌دهنده شاخص‌های مترتب‌شده حقوق بین‌الملل جهت حق تعیین سرنوشت برای کردهای عراق نیست. مسعود بارزانی از طلاق از عراق به‌دلیل نبود تفاهم‌ها سخن می‌گوید، گویا هرازگاهی شخص بارزانی از آرزوهای دوران نوجوانی‌اش درباره تأسیس کشور کردستان می‌گوید و البته این امر تمامی شائبه‌ها درباره این را که صرفا عدم تفاهم اربیل و بغداد سبب درخواست جدایی شده، از بین می‌برد. در واقع بارزانی در سالیان اخیر نشان داده تجزیه کردستان از عراق برای او نه‌تنها آرزو، بلکه یک هدف غایی بوده و او می‌خواهد افتخار آن را به نام خود ثبت کند تا در تاریخ نامش به‌عنوان «پدر ملت کُرد» شناخته شود.

بارزانی پس از برگزاری همه‌پرسی اعلام کرد: «شما مردم کردستان اجازه ندادید اراده‌تان را درهم بشکنند و اکنون در همه‌پرسی اکثریت شما به استقلال آری گفته‌اید و به حمله شیمیایی و نسل‌کشی‌های دیگر پاسخ نه داده‌اید و حال ما وارد صحنه تازه‌ای شده‌ایم». درواقع بارزانی و خاندان وی روی یک امر حساب ویژه گشودند و آن هم این است که کشورهای منطقه و جهان در برابر عمل انجام‌شده مانده‌اند و نهایتا چاره‌ای جز پذیرش آن نخواهند داشت و در این راه وی روی برخی فرکانس‌های ارسال‌شده از غرب نیز حساب می‌کرد، اما واکنش جدی ایران و ترکیه در حمایت از بغداد و البته واکنش منفی قدرت‌های بین‌المللی و بروز بحران‌هایی از جمله حوادث اخیر در مناطق مورد مناقشه که همراه با ورود نیروهای نظامی عراق و همین‌طور حشدالشعبی به مناطق فوق‌الذکر بود، سردمداران اقلیم را با واقعیت جدیدی مواجه کرد که تغییرات در جغرافیای سیاسی به آن سهولت که ایشان متصور بودند، رخ نخواهد داد و در این رهگذر نقطه نظرات و ملاحظات منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای بر خواست ایشان رجحان خواهد داشت. نکته حائز اهمیت اینجاست که تنها رژیمی که آشکار و پنهان از در حمایت از بارزانی درآمد، رژیم صهیونیستی است که به طرق گوناگون از اعلام پشتیبانی خود دریغ نکرده و طبعا این حمایت برای اقلیم بسیار حیاتی ارزیابی شده زیرا اسرائیل دارای ابزارهای سیاسی فراوان و نفوذ گسترده در اقصی نقاط جهان و دولت‌هاست. اما علت پشتیبانی اسرائیل از تأسیس یک دولت مستقل کردی از چه رویی بوده و کنه این حمایت به چه دلیلی رخ داده است؟

علت حمایت اسرائیل

مسلما این پرسش چندان اهمیتی برای بارزانی و خاندان وی ندارد اما باید برای ما ایرانیان حائز اهمیت باشد و مورد بررسی قرار گیرد که چرا در سطحی گسترده استراتژیست‌های سیاست خارجه اسرائیلی تجزیه عراق را مثبت ارزیابی می‌کنند؟ حقیقت آن است که امروزه با عنایت به وضعیت فلسطینیان و مقوله اشغالگری رژیم اسرائیل، ملت یهود دیگر آن وجهه مظلومیت پساجنگ بین‌الملل دوم را ندارد و در میان افکار عمومی جهان بدل به ملتی شده که بر ملتی دیگر ستم روا داشته و علنا حق آنان را پایمال می‌کند. در این رهگذر سه حامی قدرتمند ایشان یعنی آمریکا، اتحادیه اروپا و سازمان ملل متحد با وجود پشتیبانی‌های خود دولت مزبور را متهم به اشغالگری بخش‌هایی از سرزمین‌های فلسطینی و بلندی‌های جولان سوریه کرده، از شهرک‌سازی‌های بی‌امان آن انتقاد می‌کنند و درباره مقولاتی مانند توافق هسته‌ای ایران و بحران سوریه روندها آن‌طور که موردنظر اسرائیلی‌ها بود (به‌ویژه هیئت حاکمه آن) رخ نداده است. با توجه به اقبال افکار عمومی جهانی نسبت به فلسطینیان و حضور پررنگ ایشان در مجامع بین‌المللی، استراتژیست‌های سیاست خارجه اسرائیل شرایط را بیش از پیش دشوار دیده‌اند و اگر منطقه خاورمیانه بحران‌های اخیر خود را پشت سر بگذارد و آرامش به این منطقه بازگردد، افکار عمومی در منطقه اعم از عرب و غیرعرب و همین‌گونه فرامنطقه نیز کاملا به سمت بحران اسرائیل و فلسطین و لزوم حل آن پیش خواهد رفت و این از اساس با منافع این رژیم در تضاد است و به همین دلیل لزوم بحران‌سازی و تلاش در جهت تولید بحران‌های جدیدتر و پردامنه‌تر عیان می‌شود. آنان به خوبی دریافتند که تبعات سر برآوردن یک دولت مستقل کردی (با هر وضعیت و با هر کیفیت) تنها محدود به عراق نشده و لاجرم تغییرات جغرافیای سیاسی به سایر نقاط و کشورهای منطقه سرایت خواهد کرد و در نتیجه، این امر می‌تواند شعله جنگ‌های خانمان‌سوز وسیعی را دامن بزند و منطقه به‌واسطه بحران به‌وجودآمده و اثرات آن، ده‌ها سال نتواند کمر راست کند و در این رهگذر این رژیم بتواند همچنان به حیات خود ادامه دهد.

چالش‌های درونی

تحقق دولت مستقل کردی در منطقه کردستان عراق به‌طور حتم هم چالش‌های درونی در پی خواهد داشت و هم چالش‌های بیرونی؛ مسئله ریاست بر اقلیم مدت‌هاست که به بهانه دلمشغولی‌های جنگ با داعش و شرایط اضطراری، حل‌نشده باقی مانده و مجلس آن نیز مدت‌ها معلق بود و در روزهای واپسین مانده به همه‌پرسی و برای مشروعیت‌بخشی به برگزاری آن تشکیل جلسه داد و طبعا در فضایی که تبلیغات حزب بارزانی در سراسر اقلیم کارساز و مخالفت با همه‌پرسی، خیانت تلقی می‌شد، سایر احزاب نیز توان مقاومت را از دست داده بودند. شایان توجه است که پس از برگزاری همه‌پرسی، دولت اقلیم توسط دبیر پارلمان (فخرالدین قادر) به فساد و اختناق متهم می‌شود. همچنین هیرو احمد، همسر مرحوم جلال طالبانی، از شکل‌گیری تشکل موسوم به شورای سیاست‌گذاری کردستان که در پی همه‌پرسی ایجاد شد، به شدت انتقاد و در بیانیه‌ای اعلام کرد که پیش از برگزاری همه‌پرسی، کشورهای مهم جهان و البته منطقه پیشنهادهای مهمی به اقلیم ارائه کردند اما سردمداران سیاسی کرد با رد این پیشنهادات، جهان را به چالش کشیدند و به نظر می‌رسد مردم کرد باید هزینه این چالش را پرداخت کنند... ضمن اینکه یوسف محمد، رئیس پارلمان اقلیم کردستان، پس از غائله چند روز گذشته و خروج نیروهای پیشمرگه از مناطق مورد مناقشه ازجمله کرکوک صراحتا اعلام کرد که بزرگ‌ترین خدمتی که اینک بارزانی می‌تواند انجام دهد، قبول مسئولیت رویدادهای اخیر و استعفاست. در همین راستا اخبار فراوانی به گوش می‌رسد که بارزانی‌ها برای تداوم حضور خویش در رأس قدرت دست به برگزاری همه‌پرسی مزبور زده‌اند تا بتوانند در فضای احساسی ناسیونالیستی به‌وجودآمده قراردادهای نفتی و غیرنفتی خویش را به پیش ببرند و مجلس را همچنان آلت دست خود نگاه دارند.

محبوس در مرزها

اما چالش اصلی چنین دولتی در برون مرز رقم خواهد خورد که از آن جمله، راه پیدانکردن به دریاهای آزاد و وجود مرزهای زمینی و هوایی با کشورهایی نظیر ایران، ترکیه، عراق و البته نواحی کردنشین سوریه است. شایان توجه است که حیات اقتصادی اقلیم کردستان از طریق مرزهای هوایی و زمینی با ترکیه و ایران صورت می‌گیرد و در صورت مسدودماندن این مرزها، اقلیم با بحران عظیمی مواجه خواهد شد. مضاف بر آنکه ارتباط با کردهای سوریه (با عنایت به نزدیکی ایشان با افکار و جریان گروه پ‌ک‌ک)، خود نیز بدون چالش نخواهد بود و حتی در صورت رفع تنش‌ها و اختلافات نیز شرایط درخوری را نصیب اقلیم کردستان نخواهد کرد؛ زیرا کردهای سوریه که در روزهای اخیر با پشتیبانی کامل آمریکا موفق به تصرف شهر رقه، پایتخت خودخوانده دولت اسلامی (داعش) شده‌اند، به‌نظر می‌رسد با اوضاع نامشخصی از این پس از نظر مشروعیت اشغال مناطقی که عرب‌نشین هستند، مواجه خواهند شد و بالطبع به دلیل اینکه فاقد سازوکارهای حمایتی مناسب هستند، قادر نخواهند بود که همپا و مانند ایران و ترکیه نیازهای کردستان عراق را تأمین کنند.

کانون چالش

همان‌طور که پیش‌تر عنوان شد، ایران و ترکیه به‌عنوان دو همسایه مهم کردستان عراق بوده و نظرات ایشان در تعیین سرنوشت کردستان نقشی حیاتی را ایفا خواهد کرد. این ناحیه جنبه‌های پراهمیتی برای این دو کشور دارد و طبیعتا رهبرای جدایی‌طلب اقلیم باید به این موضوع عنایت داشته و آن را لحاظ می‌کردند. بسیاری از اعضای اپوزیسیون کردی، ازجمله حزب دموکرات کردستان و کومله کردستان ایران، اینک در اقلیم کردستان عراق حضور پررنگی دارند و بارها از همین طریق به مرزهای غربی ایران دست‌درازی‌هایی صورت گرفته است که این امر با ناخشنودی و بعضا واکنش‌های دولت ایران مواجه شده و با گذشت زمان، رهبران اقلیم برای رفع نگرانی‌های ایران، گام‌های درخور ملاحظه‌ای برنداشته‌اند و با وجود هشدارهای مکرر دولت ایران، کماکان ناحیه یادشده، آشیانه امنی برای این قبیل گروهک‌هاست. در ارتفاعات شمالی آن نیز اعضای پ‌ک‌ک حضور پررنگی دارند و تاکنون ارتش ترکیه در راستای مقابله با تحرکات گاه‌وبیگاه ایشان، حملات هوایی به مواضع آنها انجام داده است. درواقع ناحیه‌ای که تاکنون به‌عنوان بخشی از خاک عراق شناخته می‌شده، تا این حد باعث چالش همسایگانش و کانونی برای منازعات قومی بوده، بالطبع مستقل‌شدن آن (با توجه به اینکه مستقل‌شدن این ناحیه که کعبه آمال این گروه‌های شبه‌نظامی پنداشته می‌شود)، قادر خواهد بود زمینه‌ای را برای گسترش روزافزون تحرکات قوم‌گرایان فراهم آورد. البته رهبران اقلیم در سالیان اخیر با ایجاد کریدورهای اقتصادی و روابط بازرگانی چشمگیری که مبنای آن اقتصاد نفتی و واردات‌محور است، تصور می‌کردند می‌توانند با این حربه ایران و ترکیه را با فرایند آتی تجزیه خود از عراق همراه کنند. جدا از اینکه نیاز اقتصادی اقلیم کردستان عراق به ایران و ترکیه بیش از نیاز ایشان به اقلیم است، این خطایی محاسباتی بوده و در فرمول مناسبات منطقه‌ای مانند غرب آسیا، کفه ترازو به نفع امنیت در برابر اقتصاد سنگین‌تر است. مضاف بر اینکه روابط اقتصادی و حتی نظامی اقلیم با ترکیه، این دو را به‌مثابه دو متحد منطقه‌ای نشان می‌دهد و همین روابط ویژه از جانب عوامل رسانه‌ای وابسته به دستگاه بارزانی، به‌عنوان یک اهرم مناسب برای فرایند مستقل‌شدن پنداشته می‌شد؛ غافل از اینکه ایشان از نیات دولت کنونی ترکیه و نگاه رؤیاپردازانه ترک‌ها نسبت به شمال عراق آگاه نبودند. درواقع ترک‌ها همواره از تقسیمات جغرافیای سیاسی غرب آسیا در دوران پس از فروپاشی عثمانی ناراضی بوده و نسبت به شمال عراق و مناطقی مانند موصل و کرکوک، حساسیت‌هایی را به‌ویژه در دوران زمامداری اردوغان نشان داده‌اند. درواقع با توجه به روشن‌شدن گرایش‌های نوعثمانی‌گرایانه آنکارا در سال‌های اخیر و در خلال بحران‌های منطقه‌ای، در الگوی مدنظر ایشان قاعدتا تشکیل یک دولت مستقل کردی در مرزهای جنوبی، جایی نمی‌توانست داشته باشد؛ بلکه غایت ایشان از روندهای منطقه‌ای، تحقق این آرمان بود که در صورتی با جدایی اقلیم از عراق موافقت کنند که این ناحیه پس از جدایی به پیکره خاک ترکیه متصل شود.

ادامه در صفحه ۱۹

کوتاه دیپلماسی

نامه اعتراض ظریف به موگرینی درباره اظهارات ترامپ و نقض برجام

● **ایسنا:** محمدجواد ظریف در نامه‌ای به فدریکا موگرینی، هماهنگ‌کننده گروه ۵+۱ و رئیس سیاست خارجی اتحادیه اروپا، نسبت به آخرین موارد نقض برجام و بدعهدی‌های آمریکا، به‌ویژه آنچه در سخنرانی دونالد ترامپ در ۲۱ مهرماه مطرح شد، مراتب اعتراض کشورمان را اعلام کرد. نامه اخیر اعتراضی ایران به رئیس سیاست خارجی اتحادیه اروپا، دهمین نامه‌ای است که جمهوری اسلامی ایران از ابتدای اجرای برجام تاکنون ارسال کرده و در کمیسیون مشترک برجام ثبت شده است. محمدجواد ظریف، وزیر امور خارجه کشورمان، هفته گذشته یک روز پس از سخنرانی دونالد ترامپ، رئیس‌جمهوری آمریکا، درباره سیاست‌ها در قبال ایران و برجام اعلام کرد که در یکی، دو روز آینده نامه‌ای را در مورد صحبت‌های اخیر ترامپ خواهیم نوشت و در این نامه به موارد نقض ماده ۲۶، ۲۸ و ۲۹ برجام اشاره خواهد شد. به گفته وی، همچنین این نامه به ثبت کمیسیون مشترک برجام خواهد رسید و نشان می‌دهد که برخلاف ادعاهای ترامپ، این ایران بوده که تاکنون موارد متعددی از کوتاهی آمریکایی‌ها در اجرای تعهداتشان را ثبت کرده است. ایران به‌جز این نامه، به‌طور رسمی در روز جمعه، ۲۱ مهر، نامه‌ای را به دبیرکل سازمان ملل از سوی نمایندگی ایران در این سازمان ارائه کرد و خواستار ثبت این بیانیه درباره اظهارات دونالد ترامپ، رئیس‌جمهوری آمریکا، به‌عنوان سند شورای امنیت شد.

هفتمین گزارش وزارت خارجه به کمیسیون امنیت ملی رفت

● **ایسنا:** نایب‌رئیس کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس از ارائه هفتمین گزارش سه‌ماهه وزارت خارجه در اجرای برجام به این کمیسیون خبر داد. کمال دهقانی گفت: وزارت خارجه هفتمین گزارش سه‌ماهه خود درباره نحوه اجرای برجام را به کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس ارائه کرد که این گزارش در جلسات بعدی کمیسیون مورد بررسی قرار می‌گیرد. وی گفت که تاکنون کمیسیون امنیت ملی دو گزارش شش‌ماهه درباره نحوه اجرای برجام را تهیه و در صحن علنی قرائت کرده است و اکنون در حال بررسی سومین گزارش شش‌ماهه کمیسیون است. در این گزارش که در اجرای تبصره یک قانون «اقدام متناسب و متقابل دولت جمهوری اسلامی ایران در اجرای برجام» تنظیم شده است، تحولات سه‌ماهه اخیر برجام در حوزه‌های هسته‌ای، رفع تحریم‌ها و نیز موانع و چالش‌ها تشریح شده است. وزارت امور خارجه در گزارش خود، با برشمردن موارد متعدد تخطی آمریکا از تعهدات این کشور طبق برجام، مهم‌ترین تحول سه‌ماهه اخیر در سطح کلان را خودداری رئیس‌جمهور آمریکا از تأیید پایبندی جمهوری اسلامی ایران به مفاد برجام - باوجود گزارش‌های مکرر آژانس بین‌المللی انرژی اتمی مبنی‌بر اجرای کامل تعهدات برجامی از سوی ایران - عنوان کرده است. وزارت امور خارجه تأکید کرده است هرچند تأیید یا عدم تأیید پایبندی ایران به برجام از سوی رئیس‌جمهور آمریکا موضوع داخلی آمریکاست، اما این امر می‌تواند بر ادامه اجرای تعهدات آن کشور طبق برجام، خصوصا اثربخشی نظام رفع تحریم‌های برجام تأثیر تعیین‌کننده داشته باشد و چنانچه این اقدام رئیس‌جمهور آمریکا منجر به نقض عملی تعهدات این کشور در قبال جمهوری اسلامی ایران شود یا کنگره اقدام به بازگرداندن تحریم‌های هسته‌ای کند، به معنای نقض فاحش برجام از سوی این کشور خواهد بود.

باسمه تعالی

جمهوری اسلامی ایران
وزارت آموزش و پرورش

فراخوان نظرخواهی در خصوص فرآیند انتخاب و انتصاب مدیران واحدهای آموزشی

وزارت آموزش و پرورش، به منظور استقرار شایسته سالاری در انتخاب نیروی انسانی برای مشاغل مدیرتی، در نظر دارد انتخاب و انتصاب مدیران واحدهای آموزشی را در قالب دستورالعملی مشخص ضابطه مند نماید.

بدین وسیله از دبیران، آموزگاران، مدیران و کارشناسان علاقمند دعوت می نماید پیشنهادها و نظرات خود را حداکثر تا تاریخ ۱۳۹۶/۰۸/۱۰ به پست الکترونیکی Shayesteh@medu.ir ارسال نمایند.

علاقمندان می توانند جهت کسب اطلاعات بیشتر به سایت روابط عمومی وزارت آموزش و پرورش به نشانی www.medu.ir مراجعه نمایند.

مرکز اطلاع رسانی و روابط عمومی وزارت آموزش و پرورش